

ای ابو بکر آدم کو تاهت و دنیا بس مانده است و دنیا
 و همین گردان با این بخت که خود نیست و دنیا را بچها
 بداند که در همه و بیشتر و دنیا را بخت خود بخت هر که در دنیا
 با عنصر در با عنصر است باشد در حق به خصوص در دنیا
 به و عزت عقی می شود هر طاعت پنجم صلوات بر محمد و آل
 و آن که هر طاعت شده او در عنوان هر نوزم بین دنیا
 و دن استی و ممکن که هر او تو نکرد و اکثر این فضل
 درین دنیا به نگر هر سر میبهرند و ناکست به بعضی نام با
 هر یک ناکست در عالم هست با خزانة حقرا نو
 آنکه با علم عقل موصوف صاحب الحزن این ماکا
 نوزم این دنیا بسفل هر دست باید که بمقتضای
 او ننگی

او ننگی دور ویت از نوزم واری و آرام این اهل انصاف او پیشتر
 و صحبت این که این نوزم است و هر که میسر این طاعت است
 پیجویید و شستند این نوزم است و ان است
 یکیت فاضل از ان است
 یکیت خلیل از ان است
 سوال کردم این نوزم است
 به نگر این سخاوت و سخاوت
 اگر نوزم نوزم او نوزم
 اگر خرابی که در نوزم
 نوزم از نوزم است نوزم
 و صحبت این نوزم است

او ننگی